

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قاعده و زر در مصاف
با مجازات حبس تعزیری

مؤلف
دکتر عبدالرضا اسکندری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: اسکندری، عبدالرضا، ۱۳۶۸-
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran, Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	: قاعده وزر در مصاف با مجازات حبس تعزیری / مؤلف عبدالرضا اسکندری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۷ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰۴۵۸-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۲۷-۲۴۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: تعزیرات (فقه) — ایران
موضوع	: Tazir punishment (Islamic law) — Iran
موضوع	: مجازات‌های جایگزین زندان (فقه)
موضوع	: Alternatives to imprisonment (Islamic law)
موضوع	: مجازات زندان — ایران
موضوع	: Prison sentences — Iran
موضوع	: حقوق جزا — ایران
موضوع	: Criminal law — Iran
موضوع	: مجازات‌های جایگزین زندان — ایران
موضوع	: Alternatives to imprisonment — Iran
رده بندی کنگره	: BP۱۹۵/۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۸۰۸۰۹
وضعیت رکورد	: فیبا

نام کتاب	: قاعده وزر در مصاف با مجازات حبس تعزیری
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: دکتر عبدالرضا اسکندری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۹
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۵۸-۶
قیمت	: ۱۳۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتطرف‌دارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته موردتوجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک‌سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، موردتوجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست اجمالی

فصل اول: کلیات، تعاریف و مفاهیم ۷

- ۱-۱- بیان مسأله ۹
- ۱-۲- ضرورت تحقیق ۱۱
- ۱-۳- اهداف تحقیق ۱۲
- ۱-۴- سؤالات تحقیق ۱۳
- ۱-۵- فرضیه‌های تحقیق ۱۳
- ۱-۶- پیشینه تحقیق ۱۴
- ۱-۷- روش تحقیق ۱۶

فصل دوم: شناخت ماهیت جرم و مجازات و کیفر حبس ۱۷

- ۱-۲- ماهیت جرم در اندیشه اسلامی ۱۹
- ۲-۲- ماهیت جرم در حقوق موضوعه ۲۱
- ۳-۲- تفاوت تعریف قانونی جرم و تعریف دینی فقهی آن ۲۲
- ۴-۲- ماهیت مجازات در اندیشه اسلامی ۲۴
- ۵-۲- ماهیت حبس در اندیشه اسلامی ۳۰
- ۶-۲- زندان در بستر تاریخ (پس از اسلام) ۳۲
- ۷-۲- جایگاه زندان در حقوق ایران ۳۳
- ۸-۲- حقوق زندانی در اسلام ۴۲
- ۹-۲- مبانی مشروعیت حبس در اسلام ۵۳
- ۹-۲-۱- بررسی مبانی فقهی موضوع حبس از دیدگاه قرآن کریم ۵۴
- ۱۰-۲- مصادیق جرایم مستوجب حبس در اسلام ۸۰
- ۱۱-۲- مصادیق جرایم مستوجب حبس در حقوق ایران ۱۰۱

فصل سوم: پیامدهای کیفر حبس و جایگزین‌های آن در فقه و حقوق

جزا..... ۱۱۵

- ۱-۳- پیامدهای کیفر حبس ۱۱۷
- ۲-۳- تبیین جایگاه جایگزین‌های حبس در آموزه‌های دینی ۱۲۳
- ۳-۳- مصادیق جایگزین‌های حبس در آموزه‌های دینی ۱۳۷
- ۴-۳- جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۴۵
- ۵-۳- مزایای مجازات‌های جایگزین حبس ۱۶۰

فصل چهارم: تقابل قاعده وزر با کیفر حبس ۱۶۳

- ۱-۴- تبیین جایگاه بحث ۱۶۵
- ۲-۴- قاعده وزر ۱۶۶
- ۳-۴- مصادیق تعارض قاعده وزر با کیفر حبس ۲۰۷
- ۴-۴- تحلیل بحث ۲۲۰

فصل پنجم: نتیجه‌گیری ۲۲۱

فهرست منابع ۲۲۷

- کتاب فارسی ۲۲۷
- کتاب عربی ۲۳۰
- مقالات ۲۳۸

فهرست تفصیلی ۲۴۱

فصل اول

کلیات، تعاریف

و مفاهیم

۱-۱- بیان مسأله

یکی از شیوه‌هایی که در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا به منظور جلوگیری از ارتکاب اشخاص به جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد، سازوکار کیفردهی یا عقوبت مجرمان است. از انواع کیفر می‌توان به کیفرهای سالب حیات مانند اعدام؛ کیفرهای بدنی مانند تازیانه؛ کیفرهای سالب آزادی مانند حبس؛ کیفرهای محدودکننده آزادی مانند تبعید؛ کیفرهای محروم‌کننده از حق مانند انواع محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها؛ کیفرهای مالی مانند جزای نقدی و مصادره اموال؛ کیفرهای سالب حیثیت مانند اعلام نام شخص از رسانه‌ها اشاره کرد.

مجازات سالب آزادی یا همان حبس و زندان، کیفری است که حق آزادی اشخاص را که موهبتی الهی است به صورت دائم و یا موقت از انسان مجرم سلب کرده و او را در مکان مخصوصی به نام زندان قرار می‌دهد؛ به طوری که دیگر قادر نخواهد بود هیچ‌یک از آزادی‌هایی را که اشخاص دیگر از آن بهره می‌برند، اعمال کند. بنابراین، در تعریف زندان باید گفت: زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمّل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی

نگهداری می‌شوند. زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله قانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود.

یکی از موضوعاتی که پیرامون اعمال مجازات زندان مطرح شده و در حال حاضر تبدیل به یکی از چالش‌های اساسی در نحوه اعمال این قسم از مجازات تبدیل شده، تعارض اجرای مجازات با قاعده وزر است که در مواردی رخ می‌دهد که شخص محکوم، به مجازات سلب آزادی دارای مولی‌علیه صغیر یا از کار افتاده بوده و اعمال مجازات به نوعی مشکلات قابل توجهی برای خانواده و اعضای تحت تکفل او ایجاد می‌کند؛ مشکلاتی که به مرور زمان حتی ممکن است حیات این اشخاص را نیز به خطر اندازد. در توضیح پیرامون نحوه تعارض اعمال مجازات حبس با قاعده وزر باید گفت از سویی بنابر مبانی نظام کیفری اسلام، شخص محکوم می‌بایست مورد مجازات قرار گیرد و از سوی دیگر، وضعیت محکوم به‌گونه‌ای است که مجازات وی موجب وارد آمدن آسیب‌هایی به سایر اشخاص می‌گردد؛ این در حالی است که بنابر قاعده وزر هیچ شخصی نباید بار سنگین گناه دیگری را به دوش بکشد و به واسطه جرم یک شخص، نمی‌توان دیگری را مورد مجازات قرار دهد.

یکی از اشخاصی که در گروه فوق قرار می‌گیرند، زنان زندانی باردار یا صاحب فرزند هستند. زنان زندانی به واسطه شرایط جسمی و روحی خاصی که دارند، از مردان زندانی آسیب‌پذیرتر هستند. این آسیب‌پذیری نه تنها خود زن؛ بلکه خانواده و به‌خصوص کودکان او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در برخی از موارد، زنانی که مجازات زندان را تحمل می‌کنند، باردار بوده و یا دارای فرزندان زیر هفت سال هستند که به آنان بسیار وابسته بوده و به نوعی بسیاری از نیازهای جسمی و روحی آنان از سوی این مادران مجرم تأمین می‌شود. در توضیح پیرامون زنان مجرم باردار باید گفت بدیهی است که در صورتی که

زنی باردار مرتکب جرم شده و مجازات زندان و یا مجازات بدنی برای او در نظر گرفته شود، اگر بخواهیم مجازات را در خصوص شخص مجرم اجراء کنیم، چاره‌ای جز این وجود ندارد که برای اجرای حکم مجازات، یک انسان گناهکار (زن) را به همراه یک انسان بی‌گناه (فرزند یا جنین حاضر در رحم مادر) مورد مجازات قرار دهیم. در مورد دوم، یعنی زنانی که صاحب فرزندان یک ماهه تا دو ساله هستند نیز با توجه به وابسته بودن نیازهای حیاتی فرزند به مادر، هرگونه عملی ساختن مجازات بدنی یا سالب آزادی بر روی مادر، مجازات فرزند وی را نیز با خود به همراه خواهد داشت. در مورد سوم؛ یعنی زنانی که صاحب فرزندان دو، تا هفت ساله بوده و فرزندشان جز مادر، ولی دیگری ندارد نیز باید گفت در این مورد نیز اگرچه فرزند از مادر تا حدود زیادی مستقل شده، لکن محل زندگی وی به دلیل وابستگی‌های روحی و جسمی همچنان به مادر وابسته است؛ از همین رو در صورتی که بخواهیم چنین مادرانی را مورد مجازات حبس قرار دهیم، چاره‌ای جز این وجود ندارد که فرزند را نیز با مادر در زندان قرار داد. ناگفته نماند در مواردی که مجرم مرد به زندان محکوم می‌گردد و دارای مولی علیه از کار افتاده و یا صغیر است نیز مشکلات فوق بروز می‌یابد، با این تفاوت که در این گروه از مجرمان برخلاف زنان زندانی، مولی علیه به همراه ولی خود در زندان قرار داده نمی‌شود.

با توجه به توضیحات فوق و با عنایت به اهمیت مسئله و نتایج بسیار سوئی که از واردآوردن آسیب به اشخاص بی‌گناه به بهانه مجازات مجرمان حاصل می‌شود، ضرورت انجام پژوهشی جامعه پیرامون «مبانی و چالش‌های اعمال مجازات زندان با رویکردی به قاعدهٔ وزر» ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱- ضرورت تحقیق

مجازات زندان سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد. در زمان‌های گذشته، مجازات‌ها با قساوت و شقاوت تمام اجرا می‌شد. مجازات‌هایی از

قبیل سوزاندن، کور کردن و انواع شکنجه‌های بدنی رواج داشت. با آمدن دین مبین اسلام، بسیاری از مجازات‌های فوق منع گردید و نسبت به مجازات زندان، شرایطی را فراهم ساخت که در مواردی خاص، می‌توان زندان را معمول نمود. مجازات زندان در طول تاریخ، فراز و نشیب زیادی داشته است. در فقه امامیه، به موارد محدودی از مجازات زندان اشاره شده است. لذا فقها، بحث‌های کامل و جامعی که در سایر موارد فقهی مطرح نموده‌اند، فقط به صورت پراکنده و در بعضی از فروعات، در مورد حبس مطرح کرده‌اند. دامنه تحقیقاتی پژوهش پیرامون مسئله حبس، در زمینه‌ها و ابعاد مختلف، از سابقه زیادی برخوردار نیست و یکی از مسائل مرتبط و کمتر پرداخته شده پیرامون مسئله حبس، تعارض اجرای حبس با قاعده وزر یا اصل شخصی بودن مجازات است که در مواردی رخ می‌دهد که اعمال مجازات زندان برای شخص مجرم، مشکلاتی را برای او و یا سایر افراد مرتبط با او ایجاد می‌کند؛ امری که با روح قاعده وزر، در تضاد است. به عبارت دیگر، از سویی بنا بر مبانی نظام کیفری اسلام، شخص محکوم می‌بایست مورد مجازات قرار گیرد و از سوی دیگر، وضعیت محکوم به گونه‌ای است که مجازات وی موجب وارد آمدن آسیب‌هایی به سایر اشخاص می‌گردد؛ این در حالی است که بنا بر قاعده وزر هیچ شخصی نباید بار سنگینی گناه دیگری را به دوش بکشد و به واسطه جرم یک شخص نمی‌توان دیگری را مورد مجازات قرار داد. با این حال، پژوهشی عمیق و دقیق که به بررسی مسئله مزبور، پرداخته باشد، یافت نشد. تحقیق حاضر، عهده‌دار پاسخی شایسته به فرضیه مذکور است.

۱-۳- اهداف تحقیق

مهم‌ترین اهداف این تحقیق به قرار ذیل است:

- تبیین ماهیت و مبانی مشروعیت کیفر حبس

- تبیین ماهیت و مبانی قاعده وزر
- مقایسه قاعده وزر و کیفر حبس و ارائه نتیجه و راهکار

۴-۱- سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

- ۱- در صورت اعمال مجازات حبس و تعارض آن با قاعده وزر، راه حل رفع تعارض چیست؟
سوالات فرعی:
- ۲- آیا کیفر حبس، از مشروعیت برخوردار است؟
- ۳- آیا در سیستم جزای اسلام، حبس به عنوان یک مجازات مطرح شده است؟
- ۴- مستندات قاعده وزر چیست؟

۵-۱- فرضیه های تحقیق

- ۱- به نظر می رسد که قاعده وزر، یک قاعده عام و استثناناپذیر است و به همین دلیل، در صورت تعارض با کیفر حبس، بر کیفر حبس تقدم می یابد.
- ۲- آیات قرآن، سنت، اجماع و عقل از دلایل مشروعیت کیفر حبس هستند.
- ۳- حبس، در اندیشه فقهی، عموماً مجازات محسوب نمی شود و یک ضرورت است که در موارد خاص، مشروعیت دارد. ضرورت آن بدین معناست که کسانی که امنیت جامعه را تهدید می کنند، در جایی باشند که جامعه در آرامش باشد.
- ۴- آیات قرآن، سنت، اجماع و عقل، بیانگر مشروعیت قاعده وزر هستند.

۱-۶- پیشینه تحقیق

به منظور اطلاع دقیق از پیشینه پژوهش موضوع «مبانی و چالش‌های اعمال مجازات حبس با رویکردی به قاعدهٔ وزر» چندین کلیدواژه در کتابخانه ملی، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، کتابخانهٔ دیجیتالی تبیان، کتابخانهٔ دیجیتالی نور (نور لب)، آدینه بوک و سایر کتابخانه‌های اینترنتی و دیجیتالی و بانک‌های نشریات و مجلات از جمله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک)، مرکز تحقیقات علمی مجلس شورای اسلامی، پایگاه مجلات تخصصی نور (نور مگز)، مگ ایران، مرکز تحقیقات صداوسیما و دیگر تارنماهای علمی-پژوهشی کشور و مراکز علمی-پژوهشی الکترونیکی مورد جستجو قرار گرفت. این کلید واژگان عبارتند از:

۱. حقوق زندانیان: در توضیح پیرامون ارتباط این کلیدواژه با موضوع مورد بحث باید گفت با توجه به آنکه «فرزند زندان» یکی از موضوعات جزئی و زیر مجموعهٔ موضوع «زندان» محسوب می‌گردد، ممکن است از این باب توضیحات مختصری پیرامون «فرزند زندان» در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع حقوق زندانیان آمده باشد. از همین رو، به منظور آگاهی از پیشینهٔ موضوع پیشنهادی، عنوان حقوق زندانیان در منابع و مراکز فوق مورد جستجو قرار گرفت که در نتیجهٔ این جستجو، کتبی چون «موارد السجن فی النصوص والفتاوی (دراسة تناول موارد السجن و حقوق السجن)» نوشتهٔ نجم الدین طبسی، «کیفرشناسی و حقوق زندانیان» نوشتهٔ تاج زمان دانش (۱۳۵۵ هـ.ش)، «آیین دادرسی کیفری؛ سلب آزادی تن، بازداشت و حبس در حقوق ایران» نوشتهٔ ناصر هوشنگ‌زاده (۱۳۷۳ هـ.ش)، «حقوق زندانیان: برداشتی از منابع اسلامی و مقررات داخلی و بین‌المللی» نوشتهٔ علی شمس (۱۳۸۲ هـ.ش)، «حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها» نوشتهٔ

محمدرضا گودرزی و مظفر الوندی (۱۳۸۲ ه.ش) و مقالاتی چون «حقوق زندانیان» نوشته محمد علی تسخیری (زمستان ۱۳۹۲ ه.ش) و «موارد زندان در اسلام» نوشته علی سعیدی (پاییز ۱۳۹۰ ه.ش) به عنوان مهمترین آثار موجود پیرامون این موضوع یافت گردید. لکن در هیچ یک از این آثار کوچک ترین اشاره‌ای به موضوع «فرزند زندان» نشده است.

۲. تعارض اِعمال مجازات زندان با قاعدهٔ وزر: با توجه به آنکه در این پژوهش در صدد تبیین تعارض قاعدهٔ وزر با اِعمال مجازات زندان هستیم، صرف جستجو پیرامون مبانی اِعمال مجازات زندان روشن کننده پیشینه موضوع نخواهد بود؛ چرا که در این پژوهش آنچه که مورد بررسی قرار خواهد گرفت، چالش‌هایی است که به واسطه اِعمال مجازات زندان و تعارض آن با قاعدهٔ وزر ممکن است به وجود آید. بدین ترتیب می‌توان ادعا نمود اگرچه پژوهش‌های بسیاری پیرامون مبانی اِعمال مجازات زندان صورت گرفته است، لکن در هیچیک از پژوهش‌های فوق به تعارض قاعدهٔ وزر و مبانی اِعمال مجازات زندان پرداخته نشده است.

۳. مجرم دارای مولی علیه صغیر یا از کار افتاده: جستجوی پیشینه این عنوان که اصلی‌ترین و مهمترین مصداق تعارض اِعمال مجازات زندان با قاعدهٔ وزر محسوب می‌شود، هیچ نتیجه‌ای را با خود به همراه نداشت.

۴. فرزند زندان: این عنوان نیز که یکی از شاخه‌های فرعی بحث محسوب می‌گردد، در مراکز و منابع فوق مورد بررسی قرار گرفت و جستجوی انجام شده هیچ نتیجه‌ای را به همراه نداشت.

با توجه به توضیحات مذکور می‌توان گفت که موضوع «مبانی و چالش‌های اِعمال مجازات زندان با رویکردی به قاعدهٔ وزر»، موضوعی است که تا به حال در مورد آن تحقیقاتی صورت نگرفته است. با این توصیفات و با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، به نظر می‌رسد ضرورت انجام

پژوهشی دقیق پیرامون موضع پیشنهادی کاملاً روشن است.

۱-۷- روش تحقیق

رساله حاضر، مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و همچنین با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی، بر آنست که تبیین جایگاه واقعی زندان در اسلام بپردازد و رابطه آن را با قاعدهٔ وزر در مقام تعارض، مورد بررسی قرار دهد.

فصل دوم

شناخت ماهیت جرم

و مجازات و کیفر حبس

با توجه به اینکه «حبس» به‌عنوان يك مجازات در برابر برخی از جرم‌ها
تعریف شده است، بنابراین، ابتدا به بازشناسی مفاهیم «جرم» و «مجازات» پرداخته
و سپس مفهوم «حبس» را بررسی می‌کنیم.

۲-۱- ماهیت جرم در اندیشه اسلامی

با توجه به تفاوت وجه منظر شریعت و قانون به جرم، ابتدا از منظر شریعت و از دیدگاه لغوی و قرآنی، این واژه را مورد واکاوی قرار داده و سپس ماهیت جرم را از نگاه قانون جزا باز می‌شناسیم و در انتها تفاوت نگاه شریعت و قانون به ماهیت جرم را به تفصیل بیان می‌کنیم.

۲-۱-۱- مفهوم جرم از دیدگاه لغوی

راغب در کتاب مفردات چنین گفته است: جرم در اصل معنای لغوی، به معنی جدا کردن میوه از درخت است و این واژه برای اکتساب هر کار ناپسند استعاره گرفته شده است.^۱ واژه‌هایی که معمولاً هم‌معنای آن به کار برده می‌شوند، عبارتند از:

الف) اثم: برای کارهایی است که دورکننده از ثواب بوده و جمع آن، آثام است که متضمن معنای دورساختن است و کلام خداوند که می‌فرماید: شراب و قمار، اثم بزرگ است، بدین معناست که استفاده از آن دو، موجب دوری از نیکی‌ها می‌گردد.^۲

۱- راغب اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ص ۸۹

۲- ابن منظور، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۶۰

ب) خطا: به معنای دوری از مسیر مستقیم است. خطا و سیئه در معنا به یکدیگر نزدیک است و خطا در جایی به کار برده می‌شود که فی‌نفسه مقصود نیست؛ مانند کسی که تیر به سمت صیدی رها می‌سازد و به یک انسان برخورد می‌کند.^۱

ج) ذنب: برای هر چیز پست استعاره گرفته شده است و برای حیوان و غیر حیوان به کار گرفته می‌شود.^۲

۲-۱-۲- مفهوم جرم از دیدگاه قرآنی

جرم در زبان قرآن کریم، عبارت از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. به عبارت دیگر، جرم یا گناه عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس.^۳ برای درک معنای جرم، باید به الفاظی مانند جرم، اثم، ذنب و مشتقات آن که به معنی کار زشت و ناپسند است، مراجعه کرد و نیز به آیاتی که در باب انواع جرایم مشمول قصاص نفس و... استشهد نمود. در یکی از آیات قرآن، جرم در مورد افترا به خدا و انکار آیات الهی به کار رفته است: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ﴾؛ «پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدا بنهد یا آیات او را تکذیب کند؟ به راستی، مجرمان رستگار نمی‌شوند».^۴

اثم نیز از جمله واژه‌هایی است که به معنی ستم و ظلم آمده است، می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ تا بخشی از اموال مردم را به

۱- ابن فارس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۱۴

۲- زبیدی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۷۲

۳- کرناسی، ۱۳۸۱، ص ۷۰

۴- یونس: ۱۷

گناه بخورید، در حالی که خودتان می‌دانید»^۱.

خطیئه و سیئه نیز از جمله واژگانی است که در قرآن به معنی بدی و زشتی آمده است: «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ «آری، کسی که بدی به دست آورد و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتش هستند و در آن ماندگار خواهد بود»^۲.

ذنب نیز از دیگر واژگانی است که مرادف با جرم آمده است: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ لِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا»؛ «پروردگار تو به گناهان بندگانش بس آگاه و بیناست»^۳.

۲-۲- ماهیت جرم در حقوق موضوعه

صاحب‌نظران حقوق عرفی، جرم را به فعل یا ترکی اطلاق می‌کنند که از شخص سرزده و قانونگذار برای آن مجازاتی در نظر گرفته است. از این رو، مقصود از جرم تنها فعل یا ترکی است که به جان، مال، ناموس و حیثیت دیگران لطمه‌ای وارد می‌آورد و شامل همه جرایم حتی جنایات عمدی و خطایی می‌گردد. بنابراین، جرم به این معنی با معصیت یا گناه که موضوع حدود و تعزیرات است، تفاوت دارد. به عبارت دیگر، رابطه آن دو، عام و خاص من‌وجه است. از این رو، گناه که موضوع حدود و تعزیر اسلامی است، شامل هر گناهی می‌شود؛ هرچند جنبه شخصی داشته باشد و مفسده آن متوجه مرتکب گناه گردد؛ مثل شرب خمر، کذب و ترک واجبات. این، درحالی است که موضوع حقوق جزای عرفی، شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود. مجازات دنیوی این‌گونه گناهان، غالباً تعزیرات است که

۱- بقره: ۱۸۸

۲- بقره: ۸۱

۳- اسرا: ۱۷

مقدار آن از حد کمتر است. از سوی دیگر، جرم که موضوع حقوق جزای عرفی است، شامل جنایات عمدی و خطایی نیز می‌گردد. در مقابل، گناه که موضوع حدود و تعزیرات شرعی است، شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود. بنابراین، موضوع حقوق جزای اسلامی که اعم از گناه و جنایات است، با موضوع جزای عرفی، به اصطلاح اهل منطق، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی موضوع حقوق جزای شرعی اعم از موضوع حقوق جزای عرفی است؛ چراکه علاوه بر اینکه شامل گناهان دارای مفسده اجتماعی و نیز جنایات عمدی و خطایی می‌شود، گناهانی را که دارای مفسده شخصی هستند شامل می‌شود؛ برخلاف موضوع حقوق جزای عرفی که شامل نوع اخیر نمی‌شود.^۱

۳-۲- تفاوت تعریف قانونی جرم و تعریف دینی فقهی آن

۳-۲-۱- از لحاظ موضوع

از نظر موضوع، بین تعریف قانونی جرم و تعریف دینی و فقهی آن تفاوت وجود دارد. در تعریف جرم از نظر قانون، دو ویژگی وجود دارد. یکی ویژگی خصوصی جرم از آن جهت که وقوع جرم موجب ضرر و زیان شخص یا اشخاص معینی می‌شود. دیگری، ویژگی عمومی جرم از آن جهت که ارتکاب جرم، مخل نظم و تجاوز به حقوق عمومی است. در حالی که جرم در اصطلاح فقهی به معنی گناه و معصیت است و عبارت است از سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هر فعل یا ترک فعل می‌شود که دارای ضرر اجتماعی است و یا موجب ضرر و زیان و تباهی شخص مرتکب می‌شود.

بنابراین، در تعریف فقهی جرم، دو ویژگی لحاظ شده است:

۱- ماوردی، ۱۴۰۶، ق، ص ۲۱۱

۱- تجاوز به حق...؛ یعنی جرایمی که مخل نظم و حقوق عمومی و اخلاق حسنه است.

۲- تجاوز به حق الناس؛ یعنی جرایمی که جنبه، خصوصی و شخصی دارد و ضرر و زیان، متوجه فرد یا افراد معینی می‌شود. از این رو، روشن شد که جرم فقهی نه تنها شامل کلیه، جرایم علیه اشخاص، اموال یا امنیت و آسایش عمومی که دارای مفاسد و ضرر و زیان خصوصی یا عمومی هستند می‌شود، بلکه شامل سایر اعمال حرامی است که تنها دارای مفاسد شخصی و موجب تباهی شخص مرتکب می‌شود؛ مانند نوشیدن مسکر. درحالی‌که تعریف قانونی جرم، گناهایی را که ضرر و زیان آنها تنها شامل مرتکب گناه می‌شود، دربر نمی‌گیرد.

۲-۳-۴- از لحاظ مبنا

مبنای گناه و معصیت، کتاب و سنت است که مبتنی بر وحی و احکام الهی است و در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها دارای مفهوم ثابت و تغییرناپذیری است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تغییر دهد؛ درحالی‌که مفهوم قانونی جرم، قراردادی و اعتباری است و متناسب با شرایط و عوامل مختلف در هر عصر و زمان متغیر است. شایان ذکر است که توصیف قواعد و مقررات مربوط به اعمال مجرمانه، به‌عنوان قوانین ثانویه و غیرثابت، نباید با نصوص کتاب و سنت مغایرت داشته باشد که بر اساس قانون اساسی، تشخیص آن با شورای نگهبان است.

۲-۳-۵- از لحاظ تقسیم‌بندی

براساس ماده قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، جرایم به سه دسته تقسیم می‌شوند: جنایت، جنحه، خلاف. این تقسیم‌بندی در کشورهای لاییک مرسوم است و تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی به تبعیت از

فقه اسلامی، جرایم را از نظر مورد تعدی و تجاوز و نیز نوع و میزان مجازات به ۴ قسم تقسیم نموده‌اند: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات.

۲-۴- ماهیت مجازات در اندیشه اسلامی

۲-۴-۱- انواع مجازات اسلامی

جنایاتی که معمولاً در اجتماع رخ می‌دهد، جزء یکی از انواع تجاوزی است که اسلام در برابر آنها کیفر مقرر کرده است:

الف- تجاوز به عقیده و مکتب؛ مانند ارتداد و توهین به مقدسات

ب- تجاوز به مال افراد؛ مانند دزدی؛

ج- تجاوز به جان افراد؛ مانند قتل و ضرب و جرح؛

د- تجاوز به ناموس افراد؛ مانند زنا و لواط؛

ه- تجاوز به آبرو و حیثیت افراد؛ مانند افترا و تهمت؛

و- تجاوز به امنیت جامعه؛ مانند ایجاد وحشت یا حمله مسلحانه؛

ز- تجاوز به حقوق جامعه؛ مانند اشاعه فحشا و گناه در جامعه.^۱

انواع کیفرهای اسلامی در برابر این جرایم عبارتند از:

۱- در برابر اعمال خلاف عفت و اخلاق و تجاوز به مال و شرف مردم و

سایر حقوق عمومی، مجازات حد تعیین شده است.

۲- در برابر مجازات‌هایی که تعیین مقدار و خصوصیت آن بستگی به

اهمیت جرم دارد، مجازات تعزیر مقرر شده است.

۳- در برابر صدمات جانی و بدنی که افراد بر دیگری وارد می‌کنند،

مجازات قصاص تعیین شده است.

۴- خون‌بها، که مجرمان در برابر جرایم خود، باید آن را بپردازند

۱- بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۱۷

(مجازات دیه).

اجرای قوانین کیفری، مایه حیات جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر خودم هم مرتکب اشتباهی شدم، تن به قصاص خواهم داد و به همین ترتیب، در برابر شخصی که مدعی شده بود عصای پیامبر ﷺ در حین حرکت به شانهاش اصابت کرده، حاضر شد که آن شخص، وی را قصاص نماید.^۲

۲-۴-۲- فلسفه مجازات اسلامی

یکی از مسائل بحث‌برانگیز دنیای امروز، فلسفه مجازات است. در فلسفه مجازات، از چرایی مجازات سخن به میان می‌آید که از آن به مبنای مجازات یا اهداف مجازات نیز می‌توان تعبیر کرد. مبنای مجازات یا اندیشه اساسی که مجازات‌های اسلامی مستند به آن است، عبارت از همان مبنایی است که مجموع شریعت اسلامی مبتنی بر آن است؛ چراکه فقه جزایی و پدیده کیفر، جزئی از شریعت اسلامی بوده و شریعت دارای جوانب و ابعاد گسترده و درعین حال هماهنگی است که بین آنها تغایر و تضاد وجود ندارد و تمامی شریعت درحقیقت، در راستای تحقق یک هدف گام برمی‌دارد. بنابراین، ضروری است که از مبنای واحدی برخوردار باشد و باید آن مبنای واحد را دریافت. در نتیجه، مبنای شریعت که مجازات نیز بخشی از آن است، رحمت خداوند بر بندگان است؛ رحمتی که گستره آن هرجا و همه چیز را فراگرفته است. جای طرح این سوال باقی است که رحمت چگونه می‌تواند مبنای کیفر قرار گیرد؟ پاسخ آن است که هر چند در کیفر سخن از رنج و عذاب است که به ظاهر با رحمت سازگاری

۱- بقره: ۱۷۹

۲- گرجی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸۶

ندارد، اما این رحمت است که اقتضا دارد منافع و مصالح به آحاد جامعه برسد و مفسد و ضررها از آنان دفع گردد و حیات جامعه و افراد آن تداوم یابد. این رحمت و لازمه آن یعنی؛ جلب مصلحت و منفعت و دفع مفسده از نصوص دینی به روشنی برداشت می‌شود و برخی از عالمان دین بدان تصریح کرده‌اند. برخی، همه دین را مصلحت دانسته‌اند؛ عبارت است از: دفع مفسده یا جلب مصلحت.^۱ برخی نیز تصریح کرده‌اند که شریعت اسلامی برای تحصیل و تکمیل مصالح و تعطیل و یا کاهش مفسد آمده است.^۲ بعضی دیگر بر این باور هستند که مبنا و اساس شریعت بر حکمت-ها و مصلحت‌بندگان در امر معیشت و معاد است که تماماً عدالت، رحمت، مصلحت و حکمت محسوب می‌شوند.^۳ بنابراین، وقتی اقتضای رحمت الهی آن است که منفعت به انسانها رسیده، مفسده و ضرر از آنان دفع گردد، می‌توان گفت مبنای شریعت که کیفر نیز جزئی از آن است، عبارت از جلب مصلحت برای آدمیان و دفع مفسده از آنان است. بدیهی است که معیار شناخت مصلحت و میزان آن، خود شریعت است و تنها آنچه دین، آن را صلاح می‌داند، مصلحت است. مصالح حقیقی انسانها در حفظ دین، جان، عقل، خرد و نسل و مال آنان است که عالمان دین آن را در مرتبه مصالح، ضروری دانسته و تمامی ملل و نحل بر وجوب رعایت و حفظ آن اتفاق نظر دارند؛ چراکه از دست دادن آنها، مفسده بزرگی است و در حقیقت، ارزشی برای حیات باقی نمی‌ماند. بنابراین، مبنای مجازات، همان مبنای مجموع شریعت است که عبارت است از رساندن رحمت به انسانها. اگرچه در کیفر، رنج و عذابی است که به مجرم می‌رسد، اما در نهایت

۱- سلمی، ۱۴۲۰، ص ۵

۲- ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۱

۳- ابن قیم جوزیه، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲

به مصلحت او است. ممکن است مجرم در اثر گمراهی، جرم را به ظاهر به صلاح خود می‌پندارد، اما دین به دلیل آنکه جرم به مفساد اجتماعی منتهی می‌گردد و موجب انحطاط شخص مجرم می‌شود، آن را ممنوع ساخته است. زنا، اختلاس، سرقت، باده‌نوشی و تجاوز به حقوق دیگران ممکن است به ظاهر، به مصلحت مجرم باشد، اما این مصلحت ظاهری است که مورد تایید دین نیست و موجب فساد جامعه است.^۱ اگر مجازات موجب منع مجرم از ارتکاب دوباره جرم و عبرت دیگران گردد، مصلحت فرد مجرم و جامعه تحقق می‌یابد و نیز ممکن است موجب گردد که مجرم به اشتباه خویش پی برده و وجدان و ایمانش بیدار گردد و به توبه روی آورده و پس از آن به گناه و ارتکاب جرم آلوده نشود. برخی از مفسران بزرگ قرآن کریم، بر خاصیت بازدارندگی و عبرت‌آموزی مجازات‌ها تصریح کرده‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان^۲ و طبرسی در مجمع‌البیان^۳، در تفسیر و تبیین آیه دوم سوره مبارکه نور^۴ عبارات روشنی آورده‌اند که بر توجه به هدف مجازات تاکید دارد.

۲-۴-۳- اصول حاکم بر مجازات اسلامی

وقتی که مبنای مجازات در اسلام را رحمت به انسانها، تأمین مصلحت ایشان و دفع مفسده از آنان دانستیم، اصولی اساسی بر آن مترتب می‌گردد که به آنها اشاره خواهیم کرد.

۲-۴-۳-۱- رعایت تناسب بین جرم و مجازات

این اصل در حقیقت از نتایج عدالت پروردگار است. افزون بر این،

۱- خضری، ۱۴۲۱، صص ۱۰۲-۱۰۱

۲- طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵، ص ۸۶

۳- طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۲۴

۴- نور: ۲

مجازات بر اساس ضرورت تشریح گردیده و خلاف اصل تلقی می‌گردد. بنابراین، در اعمال آن باید به قدر لازم اکتفا گردد و تناسب مجازات و جرم باید مد نظر قرار گیرد.

۲-۴-۳-۲- توان بازدارندگی

در مجازات، به مصلحت جامعه توجه شده است. بنابراین، آنگاه که جرمی انجام شد، باید مجازات به گونه‌ای باشد که مجرم را تادیب کند و دیگران را از انجام جرم بازدارد. به عنوان نمونه، به جهت اهمیتی که اسلام برای انسانها و شخصیت آنها قائل شده است، کشتن به ناحق یک انسان را به منزله کشتن تمامی انسانها تلقی نموده است.

۲-۴-۳-۳- رعایت صلاح جامعه

یکی از اهداف مجازات، تأمین مصلحت جامعه است. در نتیجه، به اقتضای مصلحت می‌تواند شدت و ضعف یابد و هرگاه مصلحت جامعه مقتضی اعمال مجازات شدید است، شدت یابد و هرگاه مصلحت جامعه اعمال مجازات کمتر را می‌طلبد، این امر با تعبیه تعزیر در فقه اسلامی تأمین گردیده است.

۲-۴-۳-۴- اصلاح مجرم

اصلاح مجرم نیز از اهداف مجازات در اسلام به شمار می‌رود، اما تادیب برخلاف آنچه برخی اظهار می‌دارند، هرگز به معنی انتقام نیست و تادیب در اشکال مختلف، صور گوناگونی پیدا می‌کند. می‌توان گفت از این رو تعیین میزان تعزیر برعهده قاضی نهاده شده است که هدف آن، بازداشتن است؛ چنانچه واژه تعزیر همچون حد به همین معناست.^۱ انسانها دارای

۱- نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۶۰

اوصاف و روحیه‌های متفاوتی هستند، ممکن است کسی با یک صدای بلند از ارتکاب جرم منع گردد و دیگری محتاج تازیانه باشد و بزهکاری نیز تنها با زندان از ارتکاب جرم بازداشته شود.

۲-۴-۳-۵- توجه به شخصیت مجرم در مجازات‌های اسلامی

با توجه به اصول اساسی حاکم بر مجازات و فلسفه آن، به آسانی می‌توان دریافت که اسلام در عین توجه به مصالح اجتماعی به شخصیت مجرم نیز توجه خاصی مبذول می‌دارد. به‌عنوان یک قاعده می‌توان گفت در جرایمی که نظام را مختل می‌سازد و کیان آن را برهم می‌زند، فقه کیفری به شخصیت مجرم توجهی نمی‌کند، ولی جرایمی از این قبیل محدود هستند و در سایر جرایم، شخصیت مجرم و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در مجازات‌های تعزیری که قاضی مقید به کیفر مشخصی نیست و می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه آن را تخفیف دهد و یا آن را به مجازاتی که به حال متهم مناسب‌تر است، تبدیل کند. وضع خاص متهم، شخصیت یا سابقهٔ پسندیدهٔ او و قرائن دال بر ندامت وی می‌تواند موجب تخفیف در مجازات شود. از آثار توجه به شخصیت و کرامت انسان عبارت است از ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت و حیثیت متهمان.

۲-۴-۳-۶- توبه و اصلاح مجرم؛ عامل سقوط مجازات

یکی از مباحث مهم فقهی که توجه به فلسفهٔ کیفر در آن کاملاً مشهود است، مبحث توبه به‌عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات است که از آیات قرآن و روایات فراوان و از متون فقهی قابل استفاده است. درحالی‌که قاعدهٔ کلی در قوانین موضوعه آن است که توبه و ندامت، مجازات را ساقط نمی‌کند و مطابق قوانین برخی کشورها، مجرم را حتی به جرم شروع

به جرم، مجازات می‌کنند؛ اگرچه با اختیار از اتمام جرم منصرف گردد. در نظام کیفری اسلام، توبه یکی از علل مهم سقوط مجازات محسوب می‌گردد. در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است که توبه مجرم را برتر از اقامه حد دانسته اند.^۱

۲-۴-۳-۷- دفع مجازات به سبب شبهه

یکی دیگر از دلایلی که با تمسک به آن می‌توان ادعا نمود که در نظام کیفری اسلام، اجرای مجازات چندان مطلوب نیست، قاعده «درء» است که به استناد به آن، اجرای مجازات هنگام شبهه دفع می‌گردد.^۲

۲-۵- ماهیت حبس در اندیشه اسلامی

۲-۵-۱- مفهوم حبس از دیدگاه لغوی

در زبان عربی واژه‌های بسیاری به معنی و مفهوم حبس دلالت دارند. واژه‌های سجن، حبس، حصر، اثبات، اقرار، امساک از امثال آن هستند. مشهورترین آنها واژه‌های سجن و حبس هستند که به بررسی معانی آنها می‌پردازیم.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات چنین گفته است که سجن، به معنی در زندان نگه داشتن است. واژه سجن، به همان معنی در برخی آیات قرآن نیز به کار رفته است: «و دخل معه السجن فتيان»^۳

در کتاب صحاح اللغه آمده است که سجن به معنای زندانی کردن و بازداشت است.^۴ همچنین در کتاب صحاح پیرامون حبس چنین آمده

۱- کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۸۸

۲- حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۳۶

۳- راغب اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۲۳۰؛ یوسف: ۳۶

۴- جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱۳۳

است که، حبس ضد تخلیه و گشودگی است. در تاج العروس نیز آمده است که حبس و احتباس، هردو به یک معنی هستند؛ یعنی مقید و پایبند ساختن.^۱

از آنچه گفته شد چنین به دست می‌آید که مفاد و مفهوم دو واژه سجن و حبس عبارت است از محدود ساختن کسی و منع او از آمد و شد آزاد و تصرفات آزادانه. بنابراین، در مکان آن، ویژگی خاصی شرط نیست و وجود برخی امکانات و یا عدم آن تأثیری در تحقق این نامگذاری ندارد. شرط اصلی آن است که شخص زندانی از آمد و شد، ممنوع و مقید باشد.

۲-۵-۲- مفهوم حبس از دیدگاه شرعی

هرچند که، در اصل، زندان به محل و مکانی اطلاق می‌گردد که مجرم به مجازات زندان در آنجا، زمان محکومیت خود را سپری می‌نماید و به تعبیر دیگر محل اجرا و اعمال جرم حبس را، زندان می‌گویند. در کتاب «خطط مقریزی» چنین گفته است: زندان از نظر شرع، محبوس کردن در یک مکان تنگ نیست؛ بلکه عبارت است از اینکه شخص بازداشت شود و از تصرف‌های آزادانه ممنوع گردد و ماموری بر او بگمارند که در همه جا با او باشد و از او جدا نشود. به همین سبب است که رسول خدا ﷺ زندانی را اسیر نامیده است. این نوع زندان که رایج است، از نظر شرعی جایز نیست؛ چراکه گروه انبوهی را به نام زندانی در یک جای تنگ گرد می‌آورند و چه بسا برخی از آنان یک سال و یا بیشتر در زندان می‌مانند؛ در صورتی که اصل زندان او، موجب ضمانت است.^۲

۱- زبیدی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۲۳

۲- هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۶

۲-۶- زندان در بستر تاریخ (پس از اسلام)

زندان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رایج و معمول بوده است. لکن مفهوم زندان، مرادف و ملازم با این بوده است که جایگاه ویژه‌ای با خصوصیات معین بوده باشد، بلکه عمل زندانی کردن، گاهی در خانه و گاهی در مسجد صورت می‌گرفته است و مقصود از آن نیز چیزی بیشتر از این نبوده است که آزادی‌های فرد بزهکار را محدود ساخته و از آمد و شد آزادانه او جلوگیری کنند. پس زندان در زمان پیامبر (ص) و نیز خلفای پس از ایشان نهادینه نشد. در آن روزگار، متهمان را در روز و چند ساعتی در محلهایی مانند مسجد نگهداری می‌کردند و سپس تحویل قاضی می‌دادند. ولی پس از تاسیس حکومت اسلامی به تدریج، وضعیت تغییر کرد و نیاز به محبس احساس شد و از زندان به‌عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری استفاده شد. نخستین زندانی که در زمان امام علی علیه السلام ساخته شد، «نافع» نامگذاری شد. این زندان که از نی ساخته شده بود، کارایی لازم را نداشت. پس از آن، زندان‌هایی از خشت و گل به نام «مخیس» - یعنی خوارگاه - جانشین آن شد.^۱ علت ساخت زندان توسط امام علی علیه السلام وجود نابسامانی در اواخر خلافت عثمان بود.^۲ البته روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی، مجموعاً بر این دلالت دارند که عبادت‌های شرعی، آداب تهذیب‌کننده نفس و آموزه‌های قرآن و نیز مطالعه و نوشتن در زندان‌های ساخته‌شده توسط امام علی علیه السلام مورد رعایت بوده است.^۳ ایشان، اگر زندانیان، شعائر دینی را ترک می‌کردند و یا در انجام آن اهمال روا می‌داشتند، با عصا تأدیب می‌کرد و به انجام آن وادار می‌کرد. همچنین از نظر معیشت و اداره و تأمین نیازهای آنان،

۱- مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۹۹

۲- آشوری، ۱۳۸۵، ص ۱۷

۳- نوری طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۱۰

درباره آنان رفت را به جا می‌آورد.^۱ برخی بر این باورند که در تاریخ اسلام از زندان به سه گونه استفاده شده است:

۱- بازداشت اجرایی یا اداری ۲- بازداشت پیش از محاکمه ۳- بازداشت تنبهی.

در حقوق اسلام، بازداشت اجرایی یا اداری در اصل در مورد بدهی‌ها به کار می‌رود. بدین ترتیب، اگر توانایی مدیون، برای پرداخت دین خود نامشخص باشد، به درخواست داین در زندان نگهداشته می‌شود تا دین خود را بپردازد. اگر قاضی قانع شود که مدیون دین خود را خواهد پرداخت، وی را از بازداشت و تحت نظر بودن معاف می‌کند. هدف از زندانی کردن در چنین مواردی، تأمین تضمین پرداخت دین‌های شخصی است. در چنین مواردی، اگر آشکار شود که مدیون به لحاظ مالی تهی دست است، آزاد خواهد شد. بازداشت قبل از محاکمه نیز در اندازه محدودی از دیدگاه حقوق اسلام و فقه قابل اعمال بوده است.^۲

۲-۷- جایگاه زندان در حقوق ایران

زندان عمری به درازای بشر دارد؛ به طوری که در کتابهای معتبر تاریخی و قانون‌نامه‌های دوران باستان چون قانون‌نامه‌های روم، یونان و قانون‌نامه حمورابی و سرانجام قانون‌نامه‌های ایران، چین و هند، کمابیش از زندان، بند و حبس و مکان‌هایی از این قبیل سخن به میان آمده است. در کتب مقدس آسمانی مانند تورات و انجیل و قرآن کریم نیز از زندان و حبس، سخن گفته شده است. تولد واقعی کیفر حبس را در دنیای نوین، می‌توان به آمریکاییها نسبت داد. علت روی آوردن آنها به این نوع کیفر، حفظ امنیت اجتماعی به جای کیفرهای بدنی بود به این اندیشه که درصد آسیب‌رسانی کیفرهای

۱- وائلی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۴

۱- منصورآبادی، ۱۳۸۶، ص ۹۹

بدنی بیشتر است، غافل از اینکه کیفر حبس، نوعی عقوبت روحی نیز به شمار می‌رود. قانون‌نامه‌های فرانسه و آلمان در سطح گسترده‌ای از این کیفر استفاده کردند و کشورهایی همچون روسیه، ترکیه و ایران نیز بی‌نصیب نماندند. بدین ترتیب، در اندیشهٔ انسانی کردن مجازات‌ها، آنها را از جنبهٔ بدنی به روح و روان انسانها منتقل نمودند. در این گفتار به جایگاه زندان در مراحل مختلف نظام‌های تقنینی ایران می‌پردازیم.

۲-۷-۱- پیش از مشروطه

زندانیان در دورهٔ قاجاریه شرایط بسیار نامطلوبی داشتند و ظاهراً هزینهٔ مشخصی برای ادارهٔ امور زندان‌ها در نظر گرفته نمی‌شد یا چنانچه گاهی اوقات هزینه‌ای هم به زندان‌ها اختصاص می‌یافت، این پول به ندرت صرف امور زندان و زندانی می‌شد. متأسفانه در آن دوره حتی به سربازانی که برای دفاع از خاک میهن جانفشانی می‌کردند، توجهی نمی‌شد. پس پولی نیز صرف نگهداری مجرمین و گناهکاران نمی‌شد. البته نمی‌توان غیر از این انتظار داشت؛ چراکه هدف از زندانی کردن، تنها مجازات و دور کردن گناهکاران از جامعه بوده است.^۱

شکجه در آن مدت به شدت رواج داشت. استعمال شکجه برای تعلیم دادن افراد یا پول از متهم کاملاً عادی بود. تا زمانی که شخص زندانی یا متهم می‌توانست پول بدهد در صورتی که تخلفات او جزئی بود، آزاد می‌شد. اگر متهم پول نداشت و مقصر بود، محاکمه‌اش به تعویق می‌افتاد. در دورهٔ قاجاریه نیز، تعداد زندان‌های عمومی بسیار ناچیز بود و زندانیان در شرایط بسیار نامناسبی به سر می‌بردند. معمولاً مخارج زندانی توسط خانواده و نزدیکانش تأمین می‌شد. به‌طور کلی، در آن دوره، زندان، جنبهٔ

انتقامی داشته و صرفاً وسیله‌ای برای دور کردن بعضی از اشخاص از دیدگاه حکومتی بوده است.^۱

زندان پیش از تدوین قوانین نوین در دوران قاجار عبارت بود از اطاقی تاریک، مرطوب و کثیف که در آن جز بند برای پا و زنجیر برای گردن و پشه و شپش و ساس برای اذیت، دیگر هیچ پیدا نمی‌شد.^۲ نتیجه می‌گیریم که در حال حاضر، زندان‌های سبک قاجار کاربردی ندارد. در این صورت زندانیان با وجود قرارگرفتن در مزیقه گرسنگی و سایر امور روزمره، آرزوی مرگ می‌کردند و از دیگر سو، بعد از آزادی قادر به بازگشت زندگی عادی نبودند. در حال حاضر، سیستم اداره زندان، بسیار خوشایند و مطلوب است. به همین دلیل، شاهد تکرار مجدد جرم و ورود دوباره به زندان که هزینه زیادی را می‌طلبد، هستیم. می‌توان گفت هدف از تاسیس زندان در دوره قاجار و ماقبل آن، جنبه انتقامی و سلب آزادی داشت. در حالی که امروزه، هدف از به‌کارگیری زندان، صرفاً بعد اصلاحی و تربیتی آن و جلوگیری از تکرار مجدد بزه در جامعه است.

۲-۷-۲- از مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷

۲-۷-۲-۱- در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

در قانون اساسی مشروطه در آزادی شخصی حکم شده بود که جز در مورد جرایم مشهود کسی را نمی‌توان دستگیر کرد؛ مگر به حکم کتبی مقامهای صالح قضایی. در هر حال، علت حبس و تبعید باید در ظرف ۲۴ ساعت به متهم ابلاغ می‌شد. افزون بر این، اصل دوازدهم متمم قانونی حبس یا تبعید می‌کرد.^۳ در قانون ۱۳۰۴، سه نوع حبس وجود داشت: الف)

۱- وائلی، ۱۳۶۴، ص ۲۹

۲- کرمانی، ۱۳۴۶، ص ۱۷۲

۳- گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۵۲

حبس با اعمال شاقه ب) حبس مجرد ج) حبس تأدیبی
 اکنون به شرح هریک از آنها می‌پردازیم:

الف) حبس با اعمال شاقه

قانون ۱۳۰۴، جرم را از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها به چهار نوع تقسیم کرده بود که عبارت بود از جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک و خلاف. قانون ۱۳۰۴ برگرفته از حقوق فرانسه بود. منشأ حبس با اعمال شاقه در حقوق رومی به شکل کار در معادن بود. پس تفاوت جنایت در مجازات حبس دایم یا موقت در این بود که اگر جنایت با سبق تصمیم صورت می‌گرفت، مجازات آن، حبس دایم و اگر بدون سبق تصمیم بود، مجرم به حبس محکوم می‌شد. در ماده ۱۲ قانون ۱۳۰۴، مدت حبس موقت حداقل ۳ سال و حداکثر ۱۵ سال بود. برابر ماده ۱۳ قانون مزبور، منظور از اعمال شاقه، اشتغال به کارهای عام‌المنفعه مانند راهسازی، ایجاد فرودگاه و ساختن بیمارستان بود. در سال ۱۳۰۸ شمسی، اولین زندان ایران برای نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰، تحت تاثیر علل ناشی از جنگ دوم جهانی، به تعداد بزهکاران ایران مانند اکثر کشورهای جهان افزوده شد و زندان‌ها را با کمبود جا مواجه ساخت.^۱

ب) حبس مجرد

حبس مجرد به تصریح ماده ۱۲ قانون مصوب ۱۳۰۴ مدت آن از ۲ تا ۱۰ سال بود و نوعاً برای مرتکبان جرایم از درجه جنایت در نظر گرفته شده بود.^۲ بنابر اصول حقوقی، محکوم به حبس مجرد باید تمام مدت محکومیت خود را در یک سلول کوچک به طور انفرادی سپری می‌کرد.^۳

۱- دانش، ۱۳۶۸، ص ۱۵۲

۲- گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۶۳

۳- بولوک، ۱۳۷۲، ص ۹۰

حبس مجرد افزون بر محرومیت از هر نوع آزادی، موجب می‌شود که زندانی به عمق دنیای تاریک خود فرو رفته، به مکافات عمل واقف شود. احساس پشیمانی در بزه‌کار، مقدمه و روزنه‌ امید است در موفقیت به اصلاح شدن او، و پند و اندرزهای مأموران زندان مکمل آن خواهد شد.^۱ به عبارت دیگر، حبس انفرادی، نگهداری از فرد در یک زندان یا بازداشتگاه تک نفره است. حقیقت آن است که حبس انفرادی ممنوعیت یا ایجاد محدودیت قابل توجه در برقراری هرگونه ارتباط با سایر انسان‌ها برقرار می‌سازد و نگهداری از افراد در چنین شرایطی نتایج بدی را در پی دارد. استفاده از این نوع حبس در مواردی است که شخص، مرتکب جرایمی شده است که در صلاحیت دادگاه انقلاب و یا کیفری یک باشد. مورد دیگر، جایی است که شخص به‌عنوان تنبیه انضباطی در محیط زندان، به حبس انفرادی فرستاده می‌شود.^۲

ج) حبس تأدیبی

به موجب ماده ۹ قانون ۱۳۰۴، حبس تأدیبی بیش از یک ماه برای مرتکبان جنحه‌ مهم، به موجب ماده ۱۰ مجازات جنحه‌ کوچک حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا یک ماه و سرانجام حبس تکدیوری از دو تا ۱۰ روز در نظر گرفته شده بود. در حبس تأدیبی جنحه‌ای، محکوم، حق داشت کاری را که برای او در نظر گرفته بودند، انجام دهد. مدت حبس تأدیبی جنحه‌ای مطابق ماده ۱۲ قانون مزبور، از ۱۱ روز تا ۳ سال بود.

حبس تأدیبی خلافی از دو روز کمتر و از ۱۰ روز بیشتر نبود. محکومان به این مجازات، مستلزم کار اجباری نبودند و مطابق ماده واحده مصوب

۱- خزایی، ۱۳۷۷، ص ۳۲

۲- مسجدسرایبی و نجاری، ۱۳۹۷، ص ۴۳۱

۱۳۰۶، به حبس تکدیری به جرمه محکوم می‌شدند.^۱ به کارگماردن محکومان به حبس تأدیبی به تقاضای آنان، به نظر دادگاه بود که ضمن حکم مجازات و یا به موجب تصمیم پس از آن، مقرر می‌گشت. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، حبس جنحه‌ای را حبس تأدیبی تعبیر کرده است. در این شیوه منظور، همان بازداشتن مجرم از ارتکاب جرم دیگر است. به جای ارباب و تهدید به نرمی و ملایمت توسل می‌جویند و از راه پند و اندرز و تشویق و دلجویی و دادن آزادی موقت یا آزادی مشروط و شیوه‌های دیگر می‌کوشند تا بزهکار را از راه خطا باز گردانند.^۲

۲-۷-۲-۲- در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲

در تیرماه ۱۳۵۲، اصلاحیه قانون مجازات عمومی در روزنامه رسمی منتشر گردید. در ماده ۷ اصلاحی، انواع جرایم در سه نوع جنایت، جنحه و خلاف تقسیم شده بود و دسته‌بندی بر دو نوع جنحه مهم و جنحه کوچک که در قانون ۱۳۰۴، معمول بود از میان رفت. همچنین به موجب ماده ۸ اصلاحی مصوب ۱۳۵۲، مجازات‌های جنایت به ۴ درجه تقلیل یافت: اعدام، حبس دایم، حبس جنایی درجه یک؛ از ۳ سال تا ۱۵ سال، حبس جنایی درجه دو؛ از ۲ سال تا ۱۰ سال. تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی از رده مجازات‌های اصلی جنایت خارج شد. در ضمن، حبس با اعمال شاقه و نیز حبس مجرد از قانون ایران حذف شد.

۲-۷-۲-۳- از ۱۳۵۷ تاکنون

در قوانین قضایی ایران که به استناد اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی رسید و شورای نگهبان آن

۱- گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۶۷

۲- مظلومان، ۱۳۵۴، ص ۱۶

را تایید نمود و به امضای رئیس مجلس برای مدت ۵ سال از تاریخ تصویب به صورت آزمایشی قابل اجرا معرفی شده بود، حبس به‌عنوان یک کیفر قانونی به رسمیت شناخته شده است و در موارد مختلف به‌گونه حد یا تعزیر، شایسته اجراست.^۱

۲-۷-۳- در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱

در آبان‌ماه ۱۳۶۱، قانون راجع به مجازات اسلامی مشتمل بر ۴۱ ماده در روزنامه رسمی منتشر شد. در ماده ۷ اصلاحی، مجازات‌ها حسب نوع جرایم به ۴ نوع حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده بود و در مواد ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱، این مجازات‌ها تعریف شدند. در ماده ۱۱ قانون مزبور، یکی از مجازات‌های تعزیری، حبس است. در قانون ۱۳۶۱، کاهش توسل به حبس، معین گردیده بود. به همین علت در برخی موارد، کیفر تازیانه جایگزین کیفر حبس گردید. بر اساس بررسیها، می‌توان گفت صاحب‌نظران و متخصصان حقوق کیفری، تعیین نوع حبس را در قوانین کیفری مورد انتقاد قرار می‌دادند و معتقد بودند که ذکر محکومیت حبس با پسوند اعمال شاقه، مجرد، تأدیبی و...، سدی بر سر راه روش‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌هاست. در قوانین کیفری، فقط مدت حبس و نوع روشی که با توجه به مدت محکومیت حبس است، باید قید گردد. در قانون ۱۳۶۲، تقسیم حبس و حبس جنایی و جنحه‌ای، منتفی شد و در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، در ماده ۷، مجازات‌ها به چهار قسم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم بندی شده بود. مجازات حبس در حدود پیش‌بینی شده بود که موارد آن عبارتند از:

الف) در ماده ۴ قانون حدود و قصاص و مقررات آن بیان شده بود که:

«اکراه، مجوز قتل نیست. بنابراین، اگر کسی را وادار به قتل کنند، نباید مرتکب شود و اگر مرتکب شد، قصاص می‌شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌گردد».

ب) ماده ۲۱۸ از قانون حدود و قصاص و مقررات آن بیان داشت: «حد سرقت در مرتبه اول، قطع چهارانگشت دست راست سارق است و در مرتبه دوم، قطع پای چپ و در مرتبه سوم، محکوم به حبس ابد می‌شود».^۱

ج) در مجازات‌های تعزیری در موارد خیانت در امانت، سرقت، افتراء، دایر کردن اماکن مشروب‌فروشی، توهین عادی و... مجازات شلاق در نظر گرفته شد.

۲-۷-۴- در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

مطابق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مجازات‌ها به ۵ نوع تقسیم‌بندی گردید که عبارت بودند از: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده که تقسیم اخیر، در قانون ۱۳۷۰ اضافه شده است. مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، مجازات بازدارنده این‌گونه تعریف شده است: «مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. از قبیل حبس، جزای نقدی و...».

در سال ۱۳۶۱ و به ویژه ۱۳۶۲، سعی در کاهش استفاده از کیفر حبس شد؛ به طوری که مجازات‌های خیانت در امانت، سرقت و... کیفر شلاق در نظر گرفته شد. طولی نکشید که در سال ۱۳۷۵، کیفر حبس احمیایی دوباره پیدا کرد و از کیفر حبس به‌تنهایی و یا همراه با مجازات شلاق

۱- گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۹۴